

برّ، زیربنای وحدت و الفت در جامعه



www.taqrab.ir

یکی از توصیه های مغفول و عمومی در روایات و آیات "برّ" است ، اگر این واژه‌ی کم حجم به لحاظ حرف، اما بزرگ به لحاظ معنا، در رفتارهای ما متجلی شود بسیاری از مشکلات ما خود به خود حل می شود. نگاه ویژه جناب استاد مبلغی به روایات و آیات و نقش محوری آنها در حل مشکلات امت اسلام در مسئله "برّ" بسیار زیبا نمود یافته که با کسب این نگاه امید است که کم کم بر مشکلات امت اسلامی فائق آییم. متن پیش رو برگرفته از یکی از جلسات استاد مبلغی ، با عنوان فقه امت می باشد که به خوانندگان عزیز تقدیم می گردد.

نقش برّ در مناسبات امت

برّ یکی از مفاهیم و عناوین فقه مناسبات اسلامی است. البته در حال حاضر که ما فقه مناسبات نداریم، برّ حداقلی وجود دارد که حاشیه‌ای و استحبابی و محدود به ارتباط فرد در قبال فرد دیگر می شود و یکی از مصادیق آن صدقه‌ها و کارهای خیری است که افراد در قبال یکدیگر انجام می دهند. در واقع به مفهوم "برّ" خیلی ظلم شده است و آن قابلیت‌هایی که اسلام به "برّ" تزریق کرده تا از آن یک مفهوم

اجتماعی و مناسباتی بسازد و آن را در فضاهای جامعه به عنوان یکی از اصلی ترین رفتارها قرار بدهد، کاملاً مغفول است در صورتی که "بر" فلسفه‌ی اجتماعی دارد. تَعَاوَنًا عَلَى الْبَرِّ وَالْتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنَا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدُوانِ (سوره مائده آیه ۲) به ما می‌گوید "بر" در مقابل اثم و عدوان یک مفهوم اجتماعی وسیع دارد و زیرساخت جامعه هست و از طرف دیگر جنبه‌ی حقوقی نیز دارد، چون در مقابله عدوان است که جنبه‌ی حقوقی دارد.

پیامبر اسلام(ص) می‌فرمایند: الْبَرُّ مَا طَابَتْ بِهِ النَّفْسُ وَ اطْمَأَنَ إِلَيْهِ الرُّقَابُ وَ اِلْإِثْمُ مَا جَاءَ فِي النَّفْسِ وَ تَرَدَّدَ فِي الصَّدْرِ (الجغریات (الأشعثیات) : 148

بر" مایه‌ی آرامش و سکون نفس و بالتبع مایه‌ی آرامش جامعه است و در مقابل عدوان و اثم، مایه‌ی بهم ریختگی و اضطراب و اختلال جامعه هست. امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: الْبَرُّ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ يَعْمَلُ رَانِ الدِّيَارَ وَ يَزِيدُ انْ فِي الْأَعْمَارِ (کافی ط اسلامیه ج ۲ ص ۱۰۰)، "بر" در کنار حُسن خلق قرار گرفته است، اینها شهرها را عمران و آبادانی می‌بخشند و بر عمرها می‌افزایند یعنی اگر کسی حسن خلق داشت و اهل "بر" بود خداوند عمر او را افزایش می‌دهد.

پیامبر گرامی اسلام در روایت دیگر فرمودند: الْبَرُّ وَ الْحَسْنُ الْجَوَارُ زِيَادَةٌ فِي الرِّزْقِ وَعِمارَةٌ فِي الدُّنْيَا (مستدری الوسائل ج 8 ص 426)، یکی دیگر از کارکرد های "بر" این است که جامعه را پیشرفت می‌دهد و یکی از دستورات اسلام ایجاد آبادانی و عمران در زمین است که زمینه همه اینها با "بر" فراهم می‌شود.

تاریخچه‌ی بر"

قبل از اینکه دینی بیاید یا دینی وجود داشته باشد "بر" به عنوان انسانی ترین و مثبت ترین مفهوم بین بشری مطرح است و دین وقتی آمد پایه های آن را در فطرت بشر تحکیم بخشید و آن را تقویت کرد و ابعاد بیشتری به آن بخشید. در نگاه بشر "بر" مرز نمی‌شناسد، یعنی شما هر کسی باشید و هر چه باشید، اگر عمل نیک از شما سر بزند یک انسان نیکوکار در فضاهای اجتماعی به حساب می‌آید. اینطور نیست که "بر" فاعل خاص داشته باشد، مثلاً اگر طبقه‌ی خاصی "بر" انجام دادند فقط از آنها پذیرفته می‌شود، بر" قوامش به خودش است. هر کسی بتواند "بر" را انجام دهد او یک انسان نیکوکار است. از طرف دیگر به هر کس، حتی به حیوانات هم اگر رفتار نیکوکارانه داشته باشید، بشر این را "بر" به

بر^۳ در فضای اسلامی

بر^۳ در فضاهای بشری بلا مرز و بی قید و قیود است، آیا در فضاهای اسلامی نیز همین طور است یا دین تعریفی ارائه کرده و قیودی را برای شخص "بار^۳" لازم شمرده و هر کس عمل نیکی را انجام داد و این قیود را هم در خودش پیشاپیش و یا همراه با عملش فراهم آورد، ما این را نیکوکار می‌دانیم و گر نه فقط به خودش رحمت داده است و هیچ فایده ای ندارد! دین برای فاعل "بر^۳" و نه برای منتفع از "بر^۳" هیچ قیدی قائل نیست. البته فاعل "بر^۳" اگر نیت خالص داشته باشد دو تا "بر^۳" انجام می‌دهد یک "بر^۳" در پیشگاه خدادست یک "بر^۳" خدمتی است که به بشر یا حتی به حیوانی می‌کند. در واقع بهترین "بر^۳", "بر^۳" چند لایه ای است، یک لایه‌ی "بر^۳" عبودیت است و اظهار خضوع و خشوع و بندگی در پیشگاه خدادست و این با نیت خالص است. یک "بر^۳" هم این است که نسبت به همنوعت منشأ خیر بشوید، ولی معنا یش این نیست که اگر نیت خالص نداشتید در کمکی که به یک انسان می‌کنید دیگر "بر^۳" از شما سر نزنند. بعضی از اعمال شرطش اسلام است و بدون اسلام اصلاً قبول نیست، در اینجا حتی شرط اسلام هم در اطلاق عنوان "بر^۳" قید نیست. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «لا بدّ لِلنّاسِ مِنْ أَمْيَرٍ بَرٌّ أَوْ فَاجِرٌ (نهج البلاغه خطبه40) جاره ای از یک حکومت نیست (می‌خواهد حکومت درون جامعه‌ی اسلامی را بیان کند) یعنی هر جامعه‌ای یک امیری باید داشته باشد حالاً بر^۳ باشد یا فاجر باشد. در حکومتهاي غیر اسلامی که مسلمان نیستند ولی بر^۳ آنجا هم ممکن است.

کسانی که از «بر^۳» بهره می‌برند:

منتفع از "بر^۳" را می‌توانیم در چند فرض مطرح کنیم:

فرض اول: منتفع از "بر^۳" فقط مومنین هستند، شاید در ذهن خیلی‌ها همین باشد که اگر به یک مؤمن خدمت کردنی "بر^۳" است. اگر این فرض در فضاهای مذهبی باید هر مذهبی خیال می‌کند که "بر^۳" منحصر در اتباع آن مذهب خاص است.

فرض دوم: دامنه‌ی مخاطبان و منتفعان از "بر^۳" فراتر از مومنان می‌باشد، می‌گویند: در جامعه‌ی اسلامی می‌توانید به هر مسلمانی، حتی مسلمان غیر متعهدی، "بر^۳" داشته باشید.

فرض سوم: فراتر از این حد می‌رود می‌گوید به هم نوع خودت، نظیر^۱ لک فی الخلق، به هر فردی از بشر اگر عمل نیکوکارانه ای داشتید، این هم "بر"^۲ است.

فرض چهارم: "بر"^۳ منحصر به آدمیان نیست بلکه اگر به حیوانات و محیط زیست و طبیعت هم رفتار سالم و غیر تخریبی و مراعات کننده ای داشتید این "بر"^۴ است.

"لَا يَأْذِنْ هَـا كُمْ الـلـَّـا هـُ عـَـا نـَـالـَـدـَـيـَـنـَـ لـَـمـَـ يـُـقـَـاتـَـلـَـ وـَـكـُـمـَـ فـِـي الدـَـيـَـنـَـ وـَـلـَـمـَـ يـُـخـَـرـَـجـَـ وـَـكـُـمـَـ مـَـنـَـ دـِـيـَـارـَـكـُـمـَـ أـَـنـَـ تـَـبـَـرـَـ وـَـهـُـمـَـ وـَـتـُـقـَـسـَـطـُـوا إـَـلـَـيـَـهـَـ إـِـنـَـ الـلـَّـا هـُـ يـُـحـَـبـَـ الـمـُـقـَـسـَـطـَـيـَـنـَـ (سوره ممتحنه آیه 8) این آیه "بر"^۵ نسبت به غیر مسلمانانی که در حال مقاتله با ما نیستند و ما را از منزل و زندگیمان دور نساخته اند، مجاز شمرده است و عدل نسبت به آنها را روا دانسته است. پس "بر"^۶ بر اساس منطق آیه، فقط مخصوص مسلمان نیست، بلکه طبق این آیه، "بر"^۷ متوجه غیر مسلمان نیز می‌شود. بر اساس آیه مذکور، شیعه و سنی فتوا داده اند که صدقه دادن به کافر جایز است. امام علی(علیه السلام) در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: رعیت تو در مصر دو دسته هستند؛ إِمَّـا أَخـُـ لـَـكـَـ فـِـي الدـَـيـَـنـَـ وـَـ إـِـمـَّـا نـَـظـَـيرـَـ لـَـكـَـ فـِـي الـَـخـَـلـَـقـَـ، ایشان به مالک توصیه به تعامل خوب می‌کنند، چون بهر حال یا هم دین توست یا هم نوع توست. برای رفع عطش کافران هم روایاتی هست، پس با ید ملک را انسان قرار بدھیم، نه مسلمان و نه مسلمان مؤمن، بلکه انسان بما هو انسان است ملک "بر"^۸ است.

چه چیزی بر^۹ است؟

"بر"^{۱۰} منحصر در یک یا چند عمل خاص نیست، هرچیزی که بر سالم سازی و جذب طرف مقابل و زدودن زمینه های عدوان و اختلاف و تباعد و... تأثیر بگذارد، "بر"^{۱۱} است. "بر"^{۱۲} چیزی است که وقتی به کسی آن را عرضه می‌کنی او قلبش آرام می‌شود. "بر"^{۱۳} در جامعه دهها و صدها مصدق دارد حتی در جامعه های مدرن امروزی هم ممکن است مصادیق جدیدتری داشته باشد، یعنی یک مفهوم منعطف و بشری است. دین هم بشری بودن آن را پذیرفته است و آن را فقط در جامعه‌ی خودش محدود نمی‌کند.

البته هر کار خوب و خیری، "بر"^{۱۴} نیست، ملک خاصی دارد. یعنی یک غلطت و وضعیت ویژه ای باید در عمل خیر باشد تا خیر را "بر"^{۱۵} کند! در آیه‌ی شریفه داریم: لَـنـَـ تـَـنـَـالـُـوا الـَـبـَـرـَـ حـَـتـَـئـِـ تـُـنـَـفـِـقـُـوا مـَـمـَـ تـُـحـَـبـَـ وـَـونـَـ (سوره آل عمران آیه 92) شما به "بر"^{۱۶} نمی‌رسید مگر اینکه انفاق کنید آن هم از آنچه که دوست می‌دارید. اگر از چیزی که دوست نمی‌دارید انفاق کنید آن هم خیر است، اما "بر"^{۱۷}

نیست. روایت دیگری هست، عنوان آن "أَبْرَى جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّ أَسْرَاعَ الْخَيْرِ
ثَوَابَ الْبَرِّ" (کافی (ط - دارالحدیث) : ج 4 : ص 283)

یعنی با شتاب ترین خیرها برای جلب ثواب، "بر" است. خیر یک معنای عام تری دارد، اما روایت می‌فرماید: یک نوعی از خیر ثواب بیشتری جلب می‌کند، معنا یش این است که خیرهای دیگر هم ثواب جلب می‌کنند اما شاید ثواب را با کُندی جمع کند. نباید "بر" را با اعمال خیر دیگر هم تراز کنیم. یکی از اصحاب امام صادق(علیه السلام) می‌فرماید: اکثر ما یوصینا به ابو عبد الله (علیه السلام) البر و الصله(قرب الاسناد ص 43) بیشترین چیزی که امام صادق (علیه السلام) همیشه به ما توصیه می‌کردند "بر" بود، پس "بر" زیر ساخت است یعنی اگر جامعه ای "بر" داشت این می‌تواند اتحاد و وحدت داشته باشد می‌تواند.

رابطه‌ی وحدت با بر

یکی از بازتابهای "بر"، تالف و وحدت است. "بر" دو رابطه با وحدت دارد، اولاً دعوت به وحدت، نوعی "بر" است بلکه بزرگترین "بر" این است که اصلاح جامعه‌ی اسلامی بکنید، هرجا اختلافی هست کوشش کنید دیگران را جمع کنید اختلاف را بزداشید. ثانیا خدمات جزئی به همه‌ی مخاطب‌ها، نه فقط شیعه به شیعه خدمت بکند، بلکه شیعه به سنی خدمت کند و سنی به شیعه خدمت کند، اگر این کار را بکنید و وحدت هم در نظر نباشد چون کارکرد وحدت آمیز دارد، "بر" است. اگر دنبال تفرقه بودید خیال نکنید فقط "بر" ندارید، بلکه مرتكب اثم شده اید. روایتی از امام صادق(علیه السلام) هست که ارتباط "بر" را با وحدت نشان می‌دهد، می‌فرمایند: و مِنْ خَالِصِ الْإِيمَانِ الْبَرُّ بِالْخَوَانِ (کافی ط اسلامیه ج 4 ص 41)، از آن ایمان‌نهای خالص نیکوکاری نسبت به برادران است. منظور از برادران اتباع مذهب متبع نیست، ادبیات دین از روز اول اخوت را روی امت پیغمبر برده است. انما المؤمنون اخوه مربوط به همه مسلمانان است هم فعل پیغمبر دلالت دارد که اخوت باید در میان تمام امت اسلام باشد هم روایتهاي در اين زمينه داريم.

فلسفه‌ی بر در جامعه

فلسفه‌ی بر در جامعه این است که اولاً روندهای حاکم بر جامعه را روندهای انسانی، سالم، اطمینان بخش و آرامش بخش می‌کند و جامعه را از تنفس و مقابله هم ایستادن و ظلم به یکدیگر و انرژی همدیگر را از بین بردن، جدا می‌کند. طبیعتاً ابتدا آرامش در تک تک قلبهای ایجاد می‌شود و برآیند این آرامشها،

آرامش اجتماعی است. ثانیا جامعه‌ی سالم و آرام آبستن پیشرفت‌هاست و پیشرفت معنوی و مادی و علم آموزی و رفع مشکلات جامعه و... را به ارمغان می‌آورد.

منبع: مجله الکترونیکی اخوت